

اهمیت جمعیت در حیات سیاسی یک جامعه تا آنجایی است که در متون سیاسی، از جمعیت به عنوان یکی از شروط لازم برای تشکیل دولت نام برده اند.

به گزارش ایران اسلامی به نقل از پایگاه بصیرت، یکی از نکات مهمی که مقام معظم رهبری در ابتدای سال، در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) بدان اشاره داشتند، بحث قدرت و اقتدار ملی بود. ایشان در این باره فرمودند: «...ملت ایران باید خود را قوی کند؛ این حرف من است. حرف، درباره‌ی اقتدار ملی است. من عرض می‌کنم به ملت عزیزمان که اگر ملتی قوی نباشد و ضعیف باشد، زور خواهد شنفست، به او زور می‌گویند؛ اگر ملتی قوی نباشد، باج‌گیران عالم از او باج می‌گیرند، از او باج می‌خواهند؛ اگر بتوانند به او اهانت می‌کنند؛ اگر بتوانند زیر پا او را لگد می‌کنند. طبیعت دنیایی که با افکار مادی اداره می‌شود، همین است؛ هر که احساس قدرت بکند، نسبت به کسانی که در آنها احساس ضعف می‌کند، زورگویی خواهد کرد...»

از سوی دیگر، معظم له در دیداری که اخیراً با جامعه مامایی کشور داشتند در ارتباط با موضوع جمعیت فرمودند: «مسئله تکثیر نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت جوان کشور، یک مسئله حیاتی است و باید بطور جدی دنبال شود. ... کثرت جمعیت جوان یکی از امتیازات کشور است و در صورت استمرار سیاستها و اقدامات نادرستی که منجر به تحدید نسل و کاهش شدید جمعیت جوان کشور در طول سالهای آینده خواهد شد، دچار ضربه بسیار بزرگی بنام «سالمندی عمومی» خواهیم شد.» ایشان افزودند: «کشور بدون جمعیت جوان، یعنی کشور بدون ابتکار و پیشرفت و هیجان و شور و شوق، بنابراین، برنامه حیاتی تکثیر نسل باید بطور جدی دنبال و پیگیری شود.»

از این رو نگارنده بر آن است که به مسأله ازدیاد جمعیت از منظر تولید قدرت توجه کند که در زیر بدان می‌پردازیم.

اهمیت جمعیت در حیات سیاسی یک جامعه تا آنجایی است که در متون سیاسی، از جمعیت به عنوان یکی از شروط لازم برای تشکیل دولت نام برده اند. به عبارتی دیگر، زمانی که عده ای از مردم در یک سرزمین مستقل قرار گیرند و بتوانند حکومتی تشکیل دهند که در آن اقتداری عالی وجود داشته باشد، آنگاه می‌توان گفت که دولتی تشکیل شده است. از این رو، جمعیت را بایستی از عناصر تأسیسی دولت دانست که بدون آن دولت معنا و مفهومی پیدا نمی‌کند. از منظر دیگر، جمعیت در کنار وسعت سرزمینی، میزان دارا بودن مواد و منابع طبیعی، توان نظامی و... از جمله عوامل محسوس و مادی قدرت محسوب می‌شود. بنابراین بحث در خصوص جمعیت، در زیرمجموعه مباحث مربوط به تأسیس دولت و همچنین قدرت قرار می‌گیرد. اما نکته اساسی اینجاست که چه نوع جمعیتی می‌تواند سبب قدرت شود یا اینکه چه نوع جمعیتی می‌تواند قدرت آفرین باشد؟ و آیا اساساً صرف افزایش عددی جمعیت می‌تواند قدرت آفرین باشد؟ در پاسخ بایستی گفت که صرف افزایش عددی و رقمی جمعیت، قدرت زایی نمی‌کند یعنی افزایش کمی جمعیت عامل قدرت نیست. به عبارت دقیق تر، افزایش کمی

جمعیت اگرچه شرط لازم برای تولید قدرت است اما شرط کافی نیست. جمعیت برای اینکه عامل قدرت باشد، باید از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردار باشد. برخی از این ویژگی‌ها که جمعیت را قدرت آفرین می‌کند عبارت‌اند از:

۱- کیفیت جمعیت: یعنی جمعیتی عامل قدرت خواهد بود که علاوه بر افزایش کمی، به لحاظ کیفی نیز از مطلوبیت لازم برخوردار باشد. بدین معنا که نبود مشکلاتی مانند فقر، بیکاری و... از یک سو و وجود سطحی از رفاه مطلوب، آموزش و مهارت و تعهد و... از سوی دیگر، جمعیت را به میزانی از کیفیت می‌رساند و در نتیجه آن جمعیت می‌تواند عامل قدرت باشد.

۲- همگنی: بدین معنا که جمعیت آنگاه عامل قدرت است که در میان افراد آن به نوعی در تمایلات و جهت‌گیری‌ها، همسویی وجود داشته باشد. از این رو، به هر میزانی که تنوعات قومی، زبانی، مذهبی و... در میان مردم یک کشور کمتر باشد، آن کشور می‌تواند مطمئن‌تر باشد که جمعیتش عاملی برای افزایش قدرت خواهد بود.

حتی اهمیت جمعیت در بحث‌های مربوط به توسعه‌یافتگی تا جایی است که امروزه از پارادایم توسعه انسانی سخن گفته می‌شود یعنی کشوری بهتر می‌تواند توسعه پیدا کند و یا اینکه در مسیر توسعه قرار بگیرد که توسعه آن انسان پایه باشد، یعنی بیش از آنکه بر وجود منابع، ابزار آلات و... متکی باشد بر عامل انسانی مجهز، با مهارت و متعهد به سرنوشت کشورش تکیه داشته باشد.

بنابراین اگر جمعیت می‌بایستی برای نظام جمهوری اسلامی قدرت آفرین باشد، این جمعیت در وهله اول باید از شمار متناسبی با وسعت، منابع و امکانات آن سرزمین برخوردار باشد و از سوی دیگر با برنامه‌ریزی بلندمدت و نگاه راهبردی به این موضوع، زمینه مناسب برای تربیت جمعیتی با کیفیتی مطلوب‌تر فراهم شود که بتواند در شرایط کنونی دنیا، به برگ برنده نظام بدل گردد.

در ارتباط با همگنی جمعیت نیز باید گفت که با توجه به میزان تنوع گسترده قومی، زبانی در ایران، باید مولفه‌های هویت ملی تقویت گردد، که مهمترین آن دین مبین اسلام است. به واقع گفتمانی فراتر از تعلقات قومی همچون ایرانی بودن و اسلامی بودن ملت ایران موجب شده تا ایران در طول قرن‌ها انسجام درونی خود را حفظ کند. در کنار این مساله توزیع بیشتر امکانات و فرصت‌ها در سراسر کشور نیز می‌تواند زمینه‌ساز افزایش همبستگی و همگونی تمامی اقشار و اقوام کشور باشد.

کد مطلب: 2948

آدرس مطلب: <http://iraneslaminews.com/vdce.e8wbjh8ov9bij.html>

ایران اسلامی <http://iraneslaminews.com>